

# موسیقی آزمایشی

وقتی موسیقی به بن بستی می رسد  
حرکت های جدید در آن به وجود می آید

نمایند و همین کوشش های پراکنده و انفرادی  
شیفتگان موسیقی است که موجب شد در سال های  
پس از جنگ موسیقی آزمایشی، پایه گذاری  
شود برای احترام از هر گونه اشتباهی که  
ممکن است روی دهد بهتر آنست ابتدا  
تعریفی از «موسیقی آزمایشی» بنمائیم .

امروز «موسیقی آزمایشی» بموسیقی  
اطلاق میشود که از راه هایی که موسیقی  
تاکنون طی کرده خارج شده و راه های  
جدیدی را در پیش گرفته باشد . در این  
نوع موسیقی همه صداها و اصوات موجود  
در طبیعت همچون مواد اولیه بکار برده  
میشود و آنها را بکمک وسایل و تمهیدات  
علمی و فنی متعدد ، تجزیه و ترکیب نموده  
و نوسانات و طنین آنها را تغییر میدهند .  
قصدا در مقاله حاضر این است تا علل این  
نوجوئی و دگرگونی و نیاز بتغییر و تکامل  
را در موسیقی و مهمترین نکاتی را که در این  
مورد گفتنی است ، بزبانی که بقدر مقدور  
فنی نباشد بخوانندگان عرضه داریم .

از پایان جنگ دوم جهانی بیعدگروه های  
متعدد مهندسان پخش صوت و کارشناسان  
رشته اختصاصی رادیو و موسسات سخن-  
پراکنی که به انجام وظایف زمان جنگ  
گمارده شده بودند بتدریج در موسسات  
خصوصی ضبط صفحه، رادیو و تلویزیون  
مشغول کار شدند و ضمناً در اوقات فراغت  
تکمیل دستگاه های ضبط و پخش صوت را  
وجه همت خود قرار دادند . کشف طریقه  
جدید ضبط روی نوار مغناطیسی و بهبود  
روش ضبط آهنگ روی نوار و صفحه های  
جدید شیفتگان موسیقی و آهنگسازان را  
بر سر ذوق آورد و در نحوه اجرا و پخش و  
در عادت و رویه موسیقی دوستان نیز تغییرات  
اساسی بوجود آورد . در همین زمان است  
که در اروپا آهنگسازان تمایلی به استفاده  
و بهره برداری از صدا های مختلف را مورد  
نظر قرار دادند و در گوشه و کنار اروپا  
آزمایش هایی چند بعمل آوردند تا بخدود و  
قدرت بیان موسیقی بیافزایند و اصوات  
وطنین های ناشنیده جدیدی خلق یا اکتشاف

## الف : قواعد موسیقی

قوانینی که در موسیقی بکار میرود در طی قرون متوالی و بتدریج بوجود آمده اند بعضی از این قوانین منشاء فیزیولوژیکی و روانشناسی دارند ( پرواضح است که مادر موسیقی از واحدهائی استفاده میکنند که اثر روانی آنرا تجربه بما نشان داده است ) برخی از آنها منشاء اجتماعی دارند ، چون ممکن است فلان کشیش یا فلان حاکم قوانینی وضع کرده باشد که هیچگونه ربطی بقوانین فیزیولوژیکی، یا روانشناسی نداشته باشد مانند بعضی از گامهائی که در چین و یا هندوستان بوسیله قانون «اجباری» هستند. بعضی از قوانین که يك منشاء كاملا نامعلوم دارند . ( مانند ساختمان بعضی از مدها و دستگاهها ) و بالاخره برخی دیگر از قوانین مربوط بسازها هستند که در دسترس مآقرار دارند و بقوانین و اصول اجرائی خود متکی میباشد ولی آنچه مسلم است برای بوجود آوردن يك اثر موسیقی بقوانین احتیاج است حال چه این قوانین از روی اصول باشند و چه نباشند . چه اگر این قوانین وجود نداشته باشند يك اثر موسیقی جز صداهائی که از آلت های مختلف موسیقی برمیخیزند تاثیر مطلوبی در مستمع نخواهند داشت حتی اگر این آلت های مورد استفاده بتنهائی جالب و فوق العاده باشند . پس ما میتوانیم از این پس درباره آلتها یا وسایلی که در موسیقی بکار میرود گفتگو کنیم و این مطلب حتی اگر بهترین آلت های موسیقی در اختیار ما باشد صادق است .

## ب : سازها

يك اثر موسیقی بكمك آلت هائی قابل بنا است و این آلتها همان نشانه های موسیقی

هستند . اصواتیکه در ابتدا در موسیقی بکار رفته اند از سازهای بسیار ساده ای خارج شده اند مانند نی ، فلوت های فیلی ساده ، چنگ های ابتدائی ولی کم کم سازها تکامل یافته و سازهای جدیدی نیز بوجود آمدند و اندك اندك وسایل و آلت های کاملتری برای ایجاد موسیقی پیدا شدند تا جائیکه امروز ما تعداد زیادی ساز در اختیار داریم و از آنها استفاده میکنیم ولی این سازها هم بهیچوجه کامل نیستند و موسیقی شناسان به این عیبها كاملا واقف میباشدند .

سازندگان آلات موسیقی سعی دارند که از این عیبها بکاهدند ( باز یاد کردن حدود آنها و اضافه کردن کلید بسازهای بادی و غیره ) ولی عیب هائی هست که نمیشود آنها را از بین برد مثلا ما نمیتوانیم امکانات يك نوازنده را تغییر دهیم و همچنین نمیتوانیم سازها را مثلا خیلی بزرگ بسازیم چون در اینصورت استفاده و بهره برداری از آنها بسیار مشکل خواهد بود . پس آلات موسیقی عیب های زیادی دارند ولی خواهید گفت :

۱- ما بآنها عادت داریم و میدانیم که فقط چیزی بنظر انسان زیبا است که بآن عادت داشته باشد چون در آنصورت مجبور نخواهد بود برای درك آن زیاد بخودش فشار بیاورد .

۲- آلتیکه ما امروزه در اختیار داریم براحتی قابل استفاده هستند و ما میتوانیم از آنها بآسانی دريك قطعه استفاده کنیم هم از لحاظ شدت نوانس و هم از لحاظ رنگ و ریتم خلاصه آنکه ارکستر امروزی دارای تعداد زیادی وسایل مختلف و گوناگون است که میتوان با ترکیب های مختلف نتیجه های متنوع از آن گرفت .

## ج - توقف موسیقی کنونی

سازهایی که در ارکستر بکار میروند مدتی است که با آنها چیزی اضافه نشده، در یک قطعه ارکستر نوانسهایی که قابل استفاده اند همگی بکار برده شده اند پس بنابراین اثرهای مختلفی که یک ارکستر امروزی میتواند ایجاد کند همگی مورد استفاده قرار گرفته اند. از طرف دیگر قوانینی که در آهنگسازی بکار میروند نمیتوان دوباره آنها را بکار برد مثلاً نمیتوانیم سنفونیهایی را دوباره بنویسیم پس اکنون مادر مرحله‌ای هستیم که قادر نیستیم با آنچه که در دست داریم چیز جدیدی بسازیم گاهی سازهای جدیدی اختراع میشوند که تازگی ایجاد میکنند مانند ساکسوفون ولی این اتفاق خیلی بندرت پیش میآید بطوریکه امیداینکه روزی ساز جدیدی اختراع شود چه زهی، چه بادی کم است.

استفاده الکترونیک در موسیقی تاحدی موسیقی دانان را امیدوار کرده است که منبع جدیدی در اختیار داشته باشند و همچنین سازهایی که وسعت کمی داشتند و در ارکستر قابل استفاده نبودند با استفاده از سیستم الکترونیک قابل استفاده شدند و رنگهای جدیدی بارکستر اضافه کردند ولی موسیقی نواها باندازه کافی باین موضوع توجه نکردند و ما میتوانیم آنها را درک کنیم چون وقتی سازی الکتریکی بشود قیمت آن خیلی زیاد و استفاده از آن مشکل میشود و همچنین حمل و نقل آن نیز دشوار میگردد سازهایی چون گیتار برقی که حمل و نقل آن آسان است چیز قابل ملاحظه‌ای بارکستر اضافه

نمیکند که بشود از قیمت زیاد آن چشم‌پوشی کرد. پس بطور خلاصه سیستم الکترونیکی سازها نمیتوانند چیزی واقعاً جالب و انقلابی بموسیقی بیافزایند.

پس در نتیجه موسیقی امروز به بن بست رسیده و وقتی چنین اتفاقی می افتد حرکت‌های جدیدی در موسیقی بوجود میآید.

در این زمان موسیقیدانان دست بکار میشوند تا که قوانین جدیدی (مانند دودکافونیسیم یا موسیقی ۱۲ فیم پرده‌ای) با استفاده از آلات موجود بوجود بیآورند. و یا از قوانین موجود با سازهای جدید استفاده کنند (امواج مارتنو) اما اشکالاتیکه موسیقیدانان با اجرای روش فوق با آن مواجه میشوند به این شرح خواهد بود:

**الف -** باید ب مردم یاد بدهند که طور دیگری موسیقی گوش کنند.

**ب -** برای اینکه ساز جدیدی ب مردم عرضه کنند باید نوازندگان قابلی در اختیار داشته باشند و از متدهائی پیروی کنند که مستلزم زمان کار زیاد خواهد بود میدانیم که اجتماع امروزی بسرعت در حال تحول است در نتیجه هنرهای چون نقاشی که به وسایل زیادی احتیاج ندارند بر احوالی با این تحولات پیش میروند ولی موسیقی به اسبابهای زیادی احتیاج دارد این است که امروزه باشکالات زیادی برخوردار است.

در نتیجه موسیقی اکنون بدست تکنسینها افتاده است مثلاً یکی از کارهای تکنسینها همان الکترونیک کردن موسیقی و دیگر موسیقی آزمایشی است.

این بحث دنباله دارد.